

تحلیل وضعیت طول مدت بیکاری زنان و مردان جویای کار مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی کشور در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۲

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تحلیل وضعیت طول مدت بیکاری و مقایسه آن در بین زنان و مردان ایرانی در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۲ است. در این مطالعه تلاش شده است تأثیر چهار متغیر جنس و سن، سطح تحصیلات و وضعیت تاهل بر روی طول مدت بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور بررسی شود. این مطالعه با کمک تکنیک آماری تحلیل پیشینه بقا، از طریق پلایش و آنالیز حدود دو میلیون رکورد داده، (که توسط کاریابی‌های سراسر کشور و با نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گردآوری شده است)، انجام پذیرفته است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که زنان در مقایسه با مردان طول دوره بیکاری بیشتر و شانس کمتری برای دستیابی به شغل دارند. زنان و مردان جویای کار در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۲۴ سال نسبت به سایر گروه‌های سنی از میانگین طول دوره بیکاری کمتر و شانس بیشتری برای دستیابی به شغل و خروج از بیکاری برخوردار هستند. کارجویان متاهل، مطلقه و بیوه (بجز مردان مطلقه و بیوه)، دارای خطر بقای بیکاری کمتری نسبت به افراد مجرد هستند. در هر دو گروه زنان و مردان، کارجویان بیسواد بالاترین خطر بیکاری و افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد، و دکتری در رده دوم بالاترین خطر بیکاری قرار دارند. شانس خروج از بیکاری برای افراد با سطح تحصیلی متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی در مقایسه با سایر سطوح تحصیلی بیشتر است.

از این رو پیشنهاد می‌شود در فرایند سیاست‌گذاری و مدیریت بازار کار کشور، به تغییرات ساختار سنی و جنسی جمعیت اهتمام جدی شود. زنان نیمی از جمعیت کشور هستند بنابراین ضروریست؛ استفاده از این ظرفیت، به ویژه در شرایط خروج از پنجره جمعیتی و نیز برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتغال پایدار و کاهش طول دوره بیکاری آنان، در اولویت قرار گیرد. با توجه به عدم تطابق آموزش‌های رسمی و رشته‌های تحصیلی با مهارت‌های شغلی مورد نیاز بازار کار ایران، سیاست‌های اصلاحی در این راستا اتخاذ شود. همچنین سیاست‌گذاران حوزه اشتغال کشور با طراحی و تصویب یک بسته تشویقی، کارفرمایان را مجاب کنند تا زمینه اشتغال افراد مجرد در سنین پایین مهیا و شانس خروج از بیکاری آنان تسهیل گردد.

واژگان کلیدی: طول مدت بیکاری، جنس، سن، اشتغال

مقدمه و بیان مسأله

مباحث مربوط به حوزه اشتغال از اولویت‌های مهم سیاست‌گذاران به شمار می‌آید. منابع انسانی هر کشوری از ارزشمندترین منابع آن کشور است و بخش مهمی از آن در فرآیند بازار کار و تولید قرار می‌گیرد. موضوع اشتغال به عنوان عامل محرک در توزیع عادلانه درآمدها، حفظ کرامت انسان، بروز خلاقیت‌ها و رسیدن به معیارهای کار شایسته نام برده می‌شود و از بیکاری به عنوان ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یاد می‌شود. منابع انسانی، مبنای سیاست‌گذاری اشتغال و شکل‌گیری بازار کار هر اقتصادی است و توجه به این موضوع می‌تواند بخش مهمی از زوایای سیاست‌گذاری این حوزه را تشریح نماید. (گزارش اولین کارگاه بین‌المللی مطالعات بازار کار، ۱۳۹۶).

جمعیت و ویژگی‌های جمعیتی به طور بالقوه اصلی‌ترین منبع عرضه نیروی انسانی در بازار کار است و دولت‌ها همواره براساس رشد این مولفه از بازار کار و تحولات آن به برنامه‌ریزی نیروی کار انسانی و تلاش جهت ایجاد اشتغال و دیگر برنامه‌های مربوط به تعادل بازار کار می‌پردازند. ساختار سنی و جنسی جمعیت کشورها از ابعاد مختلف در برنامه‌ریزی‌های کلان اهمیت دارد. به خصوص جمعیت فعال که می‌تواند منجر به تولید و رشد اقتصادی گردد.

امروزه ساختار جمعیتی جوان و عرضه فراوان نیروی کار و فقدان امکانات متناسب با آن، بیکاری را به عنوان مهم‌ترین معضل اقتصادی-اجتماعی کشورهای در حال توسعه و کشور ایران درآورده است. از این‌رو توجه به مباحثی همچون پنجره جمعیتی و عرضه نیروی کار، عرضه و تقاضای نیروی کار زنان و جوانان در بازار کار و نقش نظام آموزشی رسمی و مهارتی در بازار کار، می‌تواند در مدیریت بازار کار ایران گشا باشد. یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند نقش این مباحث را برجسته‌تر سازد توجه به طول مدت بیکاری افراد جویای کار است. تمرکز کردن بر روی عرضه و تقاضای نیروی کار، مبتنی بر شاخص‌هایی همچون سن، جنس، سطح تحصیلات، وضعیت مهارت، وضعیت تأهل و ... می‌تواند شناخت ما را از کاستی‌ها و ظرفیت‌های موجود در عرضه و تقاضای بازار کار بیشتر کند و نتایج آن برای مدیریت بازار کار ایران ارزشمند خواهد بود.

اگرچه بیکاری موضوعی است که همواره از آن به عنوان معضلی اقتصادی-اجتماعی یاد گردیده و سعی می‌شود تا دلایل بروز آن با استفاده از تئوری‌های متفاوت در سطح ملی یا منطقه‌ای تبیین گردد اما، آن چه بیش از این موضوع اهمیت دارد طول دوره‌ای است که طی آن فرد بیکار به دنبال شغل است. این شاخص، که بر مدت زمان بیکاری توجه ویژه دارد در ادبیات اقتصادی به دوره بیکاری معروف بوده و متوسط آن به عنوان معیاری اساسی به مراتب از اهمیت بیشتری نسبت به نرخ بیکاری برخوردار است. چه آن که، دوره بیکاری معیاری پویا به شمار می‌رود در حالی که نرخ بیکاری مفهومی ایستا است. بر این اساس، میتوان حتی شرایطی که در آن نرخ بیکاری بالا (در مقطع زمانی مشخص) با دوره‌های بیکاری کوتاه اتفاق می‌افتد را تصور نمود. از این‌رو، نه تنها مطالعه نرخ و تعداد بیکاران، بلکه مطالعه متوسط طول دوره بیکاری و شناسایی عوامل مؤثر بر آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. (فیض پور، ۱۳۸۹).

"طول مدت بیکاری" متغیری بسیار کلیدی است که می‌تواند تغییرات را در بازارهای کار توضیح دهد و به طور گسترده در مدل‌های انحلال شغل و ایجاد آن به هنگام تحلیل جریان‌ات بین اشتغال، بیکاری و خارج از نیروی کار مورد استفاده قرار گیرد. در تعریف این متغیر می‌توان گفت؛ طول دوره بیکاری به مقدار زمانی برمی‌گردد که یک فرد، "بیکار" باقی می‌ماند. (سیوکا و متای، ۲۰۱۱). سازمان بین‌المللی کار، بیکاری بیش از ۱۲ ماه متوالی را بیکاری بلند مدت تعریف می‌کند. از این‌رو طول مدت بیکاری، شاخصی مهم در ارزیابی وضعیت بیکاری در هر منطقه جغرافیایی به حساب می‌آید. اکثر مطالعات انجام شده در کشور ایران، به بررسی وضعیت بیکاری به صورت ایستا و با محاسبه نرخ اشتغال و بیکاری در بین گروه‌های سنی و مناطق مختلف جغرافیایی و یا جنسیت و سایر متغیرهای جمعیتی و فردی پرداخته است اما واقعیت این است که پویایی‌شناسی روند بیکاری و اشتغال بر مبنای محاسبه طول مدت بیکاری و شناخت تعیین‌کننده‌های آن، موضوعی است که در کشورهای اروپایی و بعضی از کشورهای در حال توسعه اخیراً مورد توجه قرار گرفته است. اما در ایران انجام چنین مطالعه‌ای در سطح ملی و به صورت طولی تاکنون سابقه نداشته است.

امروزه به فراخور تغییرات ساختار سنی و تورم جوانی در ایران، موضوع اشتغال بزرگترین گروه‌های سنی کشور (همچون گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۳۹ سال، که بیشترین فراوانی جمعیتی در بین کلیه گروه‌های سنی پنج ساله را دارند)، به امری حیاتی تبدیل شده است. به نظر می‌رسد عرضه و تقاضای بازار کار در نواحی مختلف ایران و در بین گروه‌های متفاوت سنی و جنسی متفاوت است. بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۴، بیشترین نسبت جمعیت بیکار که طول مدت بیکاری آن‌ها یکسال و بیشتر بوده است، مربوط به رده سنی جوانان ۲۵ تا ۲۹ ساله با سهم ۴۰ درصد است. همچنین بیشترین میزان بیکاری بلندمدت در میان مردان و زنان مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله ۱۰/۱ درصد بوده است. (مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵).

توزیع نسبی برآورد جمعیت بیکار ۱۵ تا ۷۹ ساله و بیشتر در کشور، حاکی از آن است که ۴۰/۴ درصد مردان و ۵۹/۶ درصد زنان در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، به مدت یکسال و بیشتر در جستجوی یافتن شغل بوده‌اند. همچنین ۲۹/۸ درصد مردان ۵۷/۸ زنان در گروه سنی ۳۰ ساله و بیشتر به مدت یکسال و بیشتر در انتظار یافتن شغل بوده‌اند. بر اساس نتایج این طرح، سهم بیکاران با طول مدت بیکاری بلندمدت از کل بیکاران کشور در سال ۱۳۹۴ برابر با ۳۸/۴ درصد بوده است. (همان).

صادقی (۱۳۹۱) در بررسی وضعیت پنجره جمعیتی در ایران یکی از نقاط ضعف اقتصاد کشور در شرایط پنجره جمعیتی را پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان می‌داند. در واقع زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، نقش اندکی در اقتصاد کشور دارند، و همین موضوع باعث شده است که نرخ مشارکت در سطح کلی در کشور پایین باشد. بر همین اساس، یکی از راه‌حل‌ها برای مواجهه با دوره سالمندی جمعیت و کاهش نیروی کار در کشور نیز افزایش نرخ مشارکت زنان در کشور است. براین اساس و با توجه به اهمیت متغیر جنس در وضعیت اقتصادی کشور، و با توجه به اینکه مطالعه‌ای در مورد وضعیت بیکاری بر اساس طول مدت بیکاری در کشور به صورت جامع انجام نشده است، مطالعه بعضی از شاخص‌های پویایی‌شناسی اشتغال و بیکاری، همچون طول مدت بیکاری

جویندگان کار و زمان خروج آنان از بیکاری امری حیاتی است. تحلیل وضعیت طول مدت بیکاری و روند آن در کشور به تفکیک جنس، با هدف شناخت اجزاء و ابعاد بیکاری به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد علمی، جهت بهبود سطح رفاه گروه‌های مختلف جمعیت کشور، ضروری به نظر می‌رسد. هدف این مطالعه، بررسی و برآورد طول مدت بیکاری در ایران و مقایسه آن بین زنان و مردان در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است.

ملاحظات نظری پژوهش

تئوری‌های متفاوتی برای تبیین تأثیر هر یک از عوامل مؤثر بر دوره بیکاری وجود دارد. به عنوان مثال، تأثیر جنس بر دوره بیکاری را می‌توان براساس تئوری نئوکلاسیک‌ها، تئوری بازار کار دوگانه و تئوری جنسیتی تفسیر نمود. تئوری نئوکلاسیک‌ها بیان می‌نماید که در مقایسه با مردان، طول دوره بیکاری برای زنان، به دلیل آن‌که بازار کار نخست نیروی کار با بهره‌وری بالاتر را جذب می‌نماید، بیشتر است. از این‌رو، در شرایطی که سطح آموزش، به عنوان عاملی مؤثر بر بهره‌وری، در زنان نسبت به مردان پایین‌تر است، زنان دوره بیکاری طولانی‌تری را نسبت به مردان تجربه می‌نمایند. این موضوع خصوصاً زمانی که بازار کار از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نباشد، موضوعیتی مضاعف خواهد داشت. همچنین تأثیر وضعیت تأهل بر دوره بیکاری با توجه به تئوری‌های جنسیتی قابل توجیه است. چراکه تئوری‌های جنسیتی، خصوصاً با فرهنگ ایرانی، وظایف اصلی زنان را عمدتاً تربیت و پرورش فرزندان دانسته و این در حالی است که در این فرهنگ، تأمین درآمد موردنیاز خانوار برعهده مردان گذشته شده است و از این‌رو انتظار می‌رود تحمیل چنین وظیفه‌ای بر مردان، باعث کاهش دوره بیکاری برای این گروه گردد.

فرض اصلی در نظریه‌های جنسیتی این است که موقعیت زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک نظام کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. نکته مهم در این نظریه‌ها اختصاص کار خانگی، به‌ویژه مراقبت از کودکان، به زنان است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که گرایش "مشاغل زنانه" انعکاسی از نقش خانگی زنان است و درست همانگونه که در بیشتر جوامع کار خانگی زنان کم ارزش‌تر تلقی شده است، این مشاغل و مهارت‌ها نیز کم ارزش هستند. نظریه‌های جنسیتی به ویژگی‌هایی می‌پردازند که مشاغل زنان را کلیشه‌ای می‌کنند. ویژگی‌هایی مثل ماهیت مراقبتی داشتن، نیاز به مهارت‌های مرتبط و نزدیک با کارهای خانگی، نیاز به مهارت‌های دستی، نیاز به صداقت و درستی بیشتر و نیاز به زیبایی‌ظاهری در مشاغل (همچون مشاغل بخش‌های آموزشی و بهداشتی)، موجب مناسب‌تر بودن زنان برای اشتغال در آن‌ها می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۳).

اگرچه تأثیر آموزش بر دوره بیکاری با الگوهای متفاوتی در حوزه مطالعات نیروی انسانی قابل بررسی است، با وجود این، نحوه ارتباط این دو مقوله و این‌که سطوح آموزش بالاتر باعث کاهش یا افزایش دوره بیکاری خواهد به عنوان مقوله‌ای پارادوکسی یاد گردیده و تئوری‌های حوزه مهارت (آموزش و تحصیل) بر جهت ارتباط این دو اتفاق نظر ندارند. از یک‌سو، ادعا بر این است که چنانچه آموزش بتواند بهره‌وری نیروی انسانی را تحت تأثیر مثبت قرار دهد، احتمال دستیابی به شغل افزایش یافته و در نتیجه طول دوره بیکاری را کاهش خواهد داد. چه آن‌که

بازار کار، نخست جویندگان کار با بهره‌وری بالاتر را جذب خواهد نمود. این در حالی است که عده‌ای از صاحب‌نظران بر این باورند که آموزش راه‌حل مناسبی برای کاهش نرخ بیکاری و یا دوره آن نیست. براساس این نظریه، آموزش نیروی انسانی تحت شرایط خاصی تنها می‌تواند تقاضا برای نیروی کار را از کارگران ساده به کارگران آموزش‌دیده جابجا نماید. بر این اساس، کارایی و تأثیر برنامه آموزش تنها در یک ساختار سالم اقتصادی، جایی که عوامل به‌صورت کارا و مؤثر به استخدام درمی‌آید، قابل مشاهده خواهد بود (هادیان، ۱۳۸۴). این در حالی است که آموزش بیشتر می‌تواند سطح دستمزدهای انتظاری را در بازار کار افزایش داده و از این طریق، تقاضا برای نیروی کار با سطوح تحصیلی بیشتر کاهش و دوره بیکاری این گروه افزایش یابد. نظریه ناهماهنگی در بازار کار^۱، ناهماهنگی‌های متفاوتی را مانند ناهماهنگی مهارتی در این بازار مورد بررسی قرار داده و این بر حالتی دلالت دارد که به صورت هم‌زمان عرضه و تقاضا برای نیروی کار وجود داشته است؛ اما تمایزات عمده میان این دو از حیث مهارت مشاهده می‌شود. این موضوع خود می‌تواند دوره بیکاری یا زمان دستیابی به شغل را افزایش دهد. (فیض‌پور، ۱۳۸۹).

از جمله نظریه‌های دیگر تبیین‌کننده عوامل تأثیرگذار بر طول مدت بیکاری، "نظریه جستجوی شغل" است که برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ توسط استیگلر^۲ مطرح شد. بر مبنای این نظریه، پذیرفتن یک پیشنهاد شغلی معین به دستمزد حدی فرد بیکار^۳، به انتظار او در مورد پیشنهادهای شغلی که در آینده به او خواهد شد و البته هزینه‌های جستجو بستگی خواهد داشت. هر فرد بیکار دارای یک دستمزد حدی است که هرگاه دستمزد پیشنهاد شده به او بیشتر یا برابر با این دستمزد باشد، شغل موردنظر را می‌پذیرد و در غیر این صورت آن را رد می‌کند. دستمزد حدی فرد به ویژگی‌های فردی، موقعیت خانوادگی و موقعیت اقتصادی و منطقه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند، بستگی دارد. به عنوان مثال افراد با مسئولیت خانوادگی بیشتر، دستمزد حدی کمتری داشته و با احتمال بیشتری نسبت به بیکارانی که چنین مسئولیتی ندارند، یک پیشنهاد شغلی را خواهند پذیرفت. ترکیب خانواده و موقعیت هر کدام از اعضای آن نیز از دیگر عوامل مهم تأثیرگذار بر نرخ خروج از دوره بیکاری یا به عبارت دیگر، طول دوره بیکاری است. وجود فرزندان خردسال، تعداد اعضای شاغل و بیکار در خانواده نمونه‌ای از این ویژگی‌ها است. همچنین، به نظر می‌رسد که افرادی با منابع مالی جایگزین کمتر (مانند پس‌انداز یا بیمه بیکاری)، دستمزد حدی پایین‌تر و در نتیجه تمایل بیشتری برای پذیرش پیشنهادهای شغلی داشته باشند. دستمزد حدی، همچنین ممکن است توسط مقدار سرمایه انسانی از دست رفته در طول دوره بیکاری تحت تأثیر قرار بگیرد. کسانی که با استهلاک (تنزل) سریع‌تر مهارت‌های خود هنگام بیکاری روبرو هستند، احتمالاً تمایل بیشتری به قبول شغل خواهند داشت. از این لحاظ، نوع حرفه و سطح تحصیلات فرد متغیرهای مرتبط خواهند بود. کارگران جوان کمتر تحصیل کرده، تمایل بیشتری به قبول دستمزدهای پایین‌تر نشان می‌دهند. (فیض‌پور و زارع، ۱۳۹۱). زنان نیز

5. labor market and mismatch theories

^۱. Stigler

^۳. Reservation Wage

معمولاً در بازار شغلی با مهارت کمتری مواجه بوده و به ویژه زنان نیازمند به کار، به سطوح پایین تر کار و دستمزد تن خواهند داد.

ادبیات تجربی پژوهش

- علی پور (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با هدف بررسی ارتباط سطح تحصیلات عالی با کسب شغل و درآمد، نشان داد که اگرچه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی نسبت به مردان سرپرست خانوار شانس کمتری برای شاغل بودن دارند، اما در صورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیش تری برای شاغل شدن نسبت به مردان خواهند داشت و از این رو با کسب شغل و کاهش نابرابری، اثر مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی کل کشور خواهند داشت.

- مهربانی (۱۳۹۴) نشان داد که سهم زنان در مشاغل دستمزدی غیرکشاورزی بر باروری و رشد جمعیت اثر مثبت را نشان می‌دهد. از این رو، فعالیت زنان در مشاغل غیرکشاورزی که با کسب مزد همراه است، مانعی برای بزرگ تر شدن بعد خانوار و تأمین نیازهای جمعیتی کشور نخواهد بود.

- ترابی و رشوند (۱۳۹۹) نشان دادند که مطالعه شاخص‌های بیکاری، حاکی از افزایش بیکاری زنان و مردان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ است. استانداردسازی نسبت افراد بیکار نشان داد که تشابه توزیع سنی و توزیع تحصیلی در سال‌هایی که آنها با افزایش بیکاری روبرو بوده‌اند به جز در مردان کل کشور، در سایر گروه‌ها (زنان کل کشور و زنان و مردان مناطق شهری و روستایی)، نمی‌تواند تفاوت‌های میزان بیکاری آن‌ها را از بین ببرد. بنابراین، تغییرات اخیر در بیکاری را باید در عواملی همچون تغییرات ساختار سنی و ترکیب تحصیلی، ویژگی‌های فردی (وضع تاهل و مهارت‌های حرفه‌ای)، مشکلات مدیریتی، نبود تناسب بین مهارت افراد و نیازهای بازار کار جستجو کرد.

- زکی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای در پی پاسخ به این سوالات، که الگوهای فضایی بیکاری در ایران چگونه است و دارای چه اثراتی بر جغرافیای سیاسی کشور است؟ نشان دادند الگوهای فضایی بیکاری با بیکاری تحصیل - کردگان متفاوت است و پایداری این الگوها طی زمان باعث تقویت فرایندهای ناموزون مهاجرت و توسعه شده و برداشت مردم از آن را سیاسی ساخته است و تداوم این وضعیت از دیدگاه جغرافیای سیاسی، چالش بزرگی برای حاکمیت و دولتمردان است.

- نجار نه‌آوندی و خاکی نجف‌آبادی (۱۳۸۸)، با تحلیل وضعیت بیکاری در استان‌های کشور و دسته‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های بیکاری و عوامل جمعیتی موثر بر بیکاری، نشان دادند که نسبت بیکاری در بین استان‌های کشور تفاوت قابل توجهی دارد. بر اساس نتایج حاصله، بالا بودن سهم جمعیت واقع در سن فعالیت شرط لازم و بالا بودن سهم جمعیت فعال شرط کافی برای بالا بودن نرخ بیکاری در هر استان است.

- عبدلی و ورهرامی (۱۳۸۸) نشان دادند که استفاده از بیمه‌های درمانی یکی از عواملی است که بر تمایل به کار زنان موثر است. پس اگر زنی همسرش، تحت پوشش بیمه‌ی درمانی بوده و از درآمد خوبی نیز برخوردار باشد، تمایل کمتری به کارکردن دارد. متغیرهای دیگری مثل سن، تحصیلات زن و شوهرش، درآمد ماهانه‌ی شوهر و

تعداد فرزندان آنها بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام وقت و نیمه وقت موثر است که اثرگذاری این عوامل به خصوص بر تمایل به کار زنان در مشاغل تمام وقت بیشتر است.

نوروزی (۱۳۸۳) با استفاده از نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ و آمارگیری هزینه و درآمد خانوار ۱۳۷۹ و آمارگیری اشتغال و بیکاری ۱۳۸۲، نشان داد، زنان در بازار کار ایران با محدودیت تنوع شغلی و محدودیت در فرصت‌های ارتقا شغلی مواجه هستند. علاوه بر آن درآمد حاصل از کار زنان، حتی در سطوح تحصیلی برابر با مردان، به مراتب کمتر است.

صیدایی و دیگران (۱۳۹۰)، نشان دادند نرخ بیکاری کشور در سال ۱۳۸۵ طبق آمار رسمی مرکز آمار ۱۱/۲ درصد بوده است. این نرخ در سال ۱۳۸۹ به ۱۴/۶ درصد رسیده که نسبت به سال ۱۳۸۵ میزان آن ۳/۴ درصد افزایش داشته است که حاکی از میزان بالای بیکاری در کشور در این برهه زمانی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هرچند نرخ بیکاری در برخی از استان‌ها کاهش محسوسی را نشان داده، ولی با این حال نرخ بیکاری در کشور رقم بالایی را نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و بیشتر کشورهای در حال توسعه دارد و دلیل آن رشد روزافزون جمعیت و افزایش عرضه نیروی کار و همچنین پایین بودن ظرفیت‌های تولید است.

پور کاظمی (۱۳۸۸)، نشان داد که؛ ۷۶ تا ۷۹ درصد فارغ‌التحصیلان علوم انسانی به کار مشغول شده‌اند و آن‌ها حداکثر تا یک سال به دنبال کار بوده‌اند؛ این درصدها در رشته‌های مختلف متفاوت است. ۷۱ تا ۶۹ درصد شاغلان، کار خود را با رشته تحصیلی در ارتباط می‌دانند؛ بین ۶۸ تا ۷۵ درصد از شاغلان از کار خود راضی هستند. این میزان مستقل از جنسیت است و وضعیت آن دسته که دوره کارشناسی ارشد را گذرانده‌اند، بهتر است. در پایان مشخص شد که وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی از نظر اشتغال، علاقه به کار، ارتباط کار و رشته خوب است. البته، این وضعیت در رشته‌های مختلف متفاوت است.

هرندی و فلاح محسن خانی (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای به این نتایج دست یافتند که؛ عدم تعامل بین مؤسسات آموزشی و بازار کار، نبود فرصت‌های شغلی کافی و نابرابری فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان، ضعف برنامه‌های حمایت از خوداشتغالی، سازمان‌یافته نبودن بازار کار کشور و کم‌رنگ بودن نقش مؤسسات کاریابی و مؤسسات محل تحصیل در این بازار از جمله مهم‌ترین موانع اشتغال جوانان محسوب می‌شوند.

حسینی‌نسب و احمدلو (۱۳۹۳)، در پژوهشی نشان دادند که اثر متغیرهای سن، جنسیت، بستگی با سرپرست خانوار و تجربه‌ی کار قبلی، بر طول مدت بیکاری، معنادار و اثر متغیرهای وضع تحصیلات و وضع تأهل بر طول مدت بیکاری معنادار نبودند.

غلامحسین زارع (۱۳۹۰)، در پژوهش خود سعی نموده تا میزان تأثیر برخی عوامل مهم فردی بر دوره بیکاری افراد بیکار جو‌یابی کار در شهرستان یزد، در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. روش آماری مورد استفاده جهت آزمون فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش، روش رویداد متناسب کاکس بوده که در گروه مدل‌های دوره‌ای قرار داده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۹۶۴ فرد بیکار جو‌یابی کار بوده که هر یک تنها یک دوره بیکاری را در دوره زمانی مورد مطالعه تجربه نموده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عواملی همچون داشتن جنسیت مرد، متأهل بودن، تعداد فرزند، داشتن مهارت حرفه‌ای، سابقه اشتغال و تحصیلات بالاتر

از دوره بیکاری فرد می‌کاهد. این در حالی است که دو عامل بالاتر رفتن سن و اشتغال همسر بر این دوره افزوده‌اند.

- هادیان (۱۳۸۳)، با استفاده از اطلاعات مربوط به افراد جویای کار که در اداره کار شهرستان شیراز ثبت‌نام نموده‌اند و با به‌کارگیری یک الگوی دوره زمانی، به بررسی تأثیر عواملی مختلف، بر طول میانگین دوره بیکاری پرداخته است. نتایج او نشان‌دهنده این بوده است که؛ مردان جویای کار، در مقایسه با زنان، دوره بیکاری کوتاه‌تری را گذرانده‌اند.

- محمدعلی فیض‌پور (۱۳۸۹)، نشان داد که؛ وضعیت تأهل و جنسیت افراد جویای کار، متوسط زمان بیکاری را تحت تأثیر قرار نداده و بر این اساس، نمی‌توان تمایز معنی‌داری را بین متوسط دوره بیکاری زنان و مردان مشاهده نمود.

- زهرا موغاب و الهام جهان (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت اشتغال غیررسمی زنان جوان ۱۵-۲۵ سال با استفاده از آمار طرح هزینه-درآمد خانوار در سال ۱۳۹۰ پرداختند، در این پژوهش از حداقل مزد به‌عنوان شاخصی برای برآورد اشتغال غیررسمی استفاده شد. نتایج نشان داد که در سال ۱۳۹۰ سهم زنان در اشتغال غیررسمی بالا و نسبت به مردان بیش‌تر بوده است. بر مبنای این نتایج، شهری بودن، تحصیلات دانشگاهی و متأهل بودن احتمال اشتغال غیررسمی زنان را کاهش می‌دهد.

- مارک سی فولی در آگوست (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای با استفاده از یک نظرسنجی طولی بین شهروندان روسیه، نشان داد که طول مدت بیکاری در بین زنان متأهل شاغل، در مقایسه با مردان متأهل شاغل بیشتر است (فولی^۱)، (۱۹۹۷).

- توشیهیکو موکویاما و آیشگول شاهین (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای در خصوص علل افزایش طول مدت بیکاری در ایالات متحده آمریکا، نشان دادند که، متوسط طول مدت بیکاری در زنان بیشتر از مردان است؛ اما این تأثیر خیلی زیاد نیست و عوامل مؤثرتری مانند نابرابری دستمزد، تأثیرات بیشتری نسبت به جنسیت دارند (موکویاما و شاهین^۲)، (۲۰۰۴).

- نتایج مطالعه‌ی "ماریتزا لویز نوولا و ماری دوویو" (۲۰۱۵) در کشور بلژیک نشان داد که زنان بیکار خیلی سریع‌تر از مردان هم‌سن خود موفق به پیدا کردن کار می‌شوند. در حالی که در دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۷، فقط زنان دارای تحصیلات عالی، نرخ خروج از بیکاری مشابه یا بالاتری از مردان داشتند؛ این مورد در دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ برای زنان با تحصیلات متوسط و پایین نیز وجود داشت (به‌جز افراد دارای مدرک تحصیلی متوسطه اول). سیاست‌های دولتی در زمینه اشتغال کارگران کم‌مهارت، احتمالاً نقش مهمی در این تحول دارند. تفاوت‌های منطقه‌ای از نظر جنسیت نیز وجود دارد، با این‌که زنان هنوز عملکرد پایین‌تری نسبت به مردان در والنیا و

1. Marc C. Foley. 1997

2. Toshihiko Mukoyama, Ayşegül Şahin. 2004

عملکرد بالاتری نسبت به مردان در فلاندر دارند؛ اما در بروکسل، تفاوت قابل توجهی بین زن و مرد وجود ندارد (نو ولا و دوویو^۱، ۲۰۱۵).

- در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۱ توسط میشل آ.هاینز، آنجلا هیگینسون و همکاران انجام شد؛ شواهد حاکی از آن بود که طول مدت بیکاری در مردان کوتاه‌تر از زنان است. حتی این آمار در مردان متأهل بالاتر می‌رود. همچنین نتایج تحقیق نشان‌دهنده‌ی این است که زنان متأهلی که کودک زیر ۵ سال دارند؛ طول مدت بیکاری طولانی‌تری را تجربه می‌کنند (هاینز، هیگینسون و همکاران^۲، ۲۰۱۱).

- نتایج مطالعه‌ی نووس لازارو، ماریا لوییزا مولتو و روزاریو سانچز که در سال ۲۰۰۰ در اسپانیا از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات نظرسنجی‌های خانوار صورت گرفت؛ نشان‌دهنده‌ی این بود که نرخ و طول مدت بیکاری در زنان بیشتر از مردان است. (لازارو، مولتو و سانچز^۳، ۲۰۱۱).

- کریستینا بورا، فرانچسکو گومز گارسیا و مانوئل سالاس و لاسکو در سال ۲۰۰۷ گروهی از فارغ‌التحصیلان جوان را مورد مطالعه قرار دادند که مدرک دانشگاهی خود را در رشته‌های بازرگانی، اقتصاد، مدیریت و بازاریابی در سال تحصیلی ۲۰۰۱-۲۰۰۲ از دانشگاه سویل در کشور اسپانیا کسب کردند. نتایج حاکی از آن بود که هیچ تأثیر قابل توجهی برای جنسیت در رابطه با طول مدت بیکاری مشاهده نشد (بورا، گارسیا و لاسکو^۴، ۲۰۰۷).

- در مطالعه‌ای که توسط اولگا کوپت (۲۰۰۶) صورت گرفت. کوپت معتقد بود که مطالعات بسیار کمی در مورد طول مدت بیکاری در اقتصادهای در حال گذار یا کشورهای در حال توسعه تا به امروز صورت گرفته است. او به عنوان اولین نفر در کشور اوکراین به بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی طول مدت بیکاری در این کشور پرداخت و برای این کار از نظرسنجی نظارت طولانی اوکراین (ULMS) در بازه‌ی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ استفاده کرد. نتایج مطالعه‌ی کوپت حاکی از آن بود که افراد مؤنث طول مدت بیکاری بیشتری را نسبت به افراد مذکر پشت سر می‌گذارند (کوپت^۵، ۲۰۰۶).

- ویلیام بوآتنگ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای در غنا، عنوان کرد که به دلیل رشد سرمایه‌گذاری‌ها و کارآفرینی‌های مختلف، اشتغال در این کشور رشد مناسبی داشته است. او همچنین عوامل تعیین‌کننده‌ی طول مدت بیکاری را نیز مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که طول مدت بیکاری در زنان بیشتر از مردان است (بوآتنگ^۶، ۲۰۱۴).

- دانسیکا^۷ و پالیو پوپا^۸ (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای در رومانی، با استفاده از داده‌های آژانس ملی اشتغال رومانی، به بررسی عوامل تعیین‌کننده طول مدت بیکاری پرداختند. نتایج نشان داد، احتمال خروج زنان از بیکاری ۱۴ درصد

1. Maritza Lopez Novella, Marie Duvivier. 2015

2. Haynes & Higginson et al.2011

3. Lazaro, Molto, Sanchez, 2000

4. Cristina Borra, Francisco Gomez-Garcia, Manuel Salas-Velasco. 2009

5. Kupets,2006

6. Boateng, 2014

7. Dănăciță

8. Paliu-Popa

کمتر از مردان است. شکاف جنسیتی طول دوره بیکاری در میان زنان با سطح تحصیلات کم، بیشتر است. همچنین بر مبنای نتایج این پژوهش، پیشنهاد شده است سیاست‌های کشور رومانی در مورد کاهش طول دوره بیکاری و بهبود اشتغال باید معطوف به افراد بالای ۳۵ سال و به ویژه برای زنان باشد. همچنین پیشنهاد دیگر برای سیاست‌گذاران این است که سطح آموزش نیروی کار افزایش یابد.

سیوکا^۱ و متای^۲ (۲۰۱۱)، طی مطالعه‌ای در کشور رومانی نشان دادند که نرخ‌های بقا بیکاری، تحت تأثیر سن، تحصیلات و جنسیت است و همچنین هر منطقه تابع بقا متفاوتی دارد. بر اساس تحلیل‌های انجام شده در این تحقیق، اشخاص بیکار، با طول آموزش بالاتر از بازار کار سودی نمی‌برند، تفاوت‌های قوی بین زنان و مردان با توجه به طول دوره بیکاری نیست. افراد بیکار واقع در سنین ۳۶-۴۵ و ۴۶-۵۵ سال (به دلیل عدم انطباق با شرایط بازار کار) احتمال بالاتری از بیکار ماندن دارند.

- تانزل^۳ و تاشی^۴ (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای در ترکیه، تعیین‌کننده‌های احتمال ترک بیکاری و دریافت شغل یا نرخ خطر را تحلیل کردند. تأثیرات خصوصیات شخصی و خانوادگی و شرایط بازار کار مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد، احتمالات خروج از بیکاری و دستیابی به اشتغال برای زنان اساساً پایین‌تر از این احتمالات برای مردان است. بعلاوه، احتمال یافتن شغل برای مردان و زنان با سطح تحصیلات افزایش و با سن کاهش یافت.

- گارسیا^۵ (۲۰۱۷)، با استفاده از داده‌های اداره‌ی امنیت اجتماعی اسپانیا طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۳، به بررسی تفاوت‌های بین مردان و زنان بیکار در احتمال پیدا کردن شغل پرداخته است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش؛ متوسط مدت بیکاری برای زنان به‌طور معنی‌داری بیشتر از مردان است، برخی از خصوصیات زنان (سطح تحصیلات) و شغل (اندازه شرکت، شغل غیردستی) به کاهش این نابرابری جنسیتی کمک می‌کند. میزان یافتن شغل و ثبات شغلی برای مردان بیشتر از زنان است که احتمالاً با نوع مشاغل مردان ارتباط دارد. در حالی که سطح بالاتری از تحصیلات به‌ویژه، زنان را از بیکاری محافظت می‌کند، داشتن فرزندان، اشتغال زنان و دستمزد اولیه آنها پس از بیکاری را مختل می‌کند. شکاف‌های جنسیتی پایین در بخش دولتی وجود دارد، جایی که زنان تمایل دارند بیشتر در کارهایی که نیاز به مدارک عالی دارند متمرکز شوند تا اینکه در شرکت‌های کوچک و شرکت‌هایی که بیشتر تکنولوژی محور هستند، مشغول به کار شوند.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به بررسی برخی عوامل فردی موثر بر طول مدت بیکاری کارجویان زن و مرد مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور می‌پردازد. جامعه آماری شامل کلیه جویندگان کار ۱۵ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به کاریابی‌های سراسر کشور، از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان مهرماه سال ۱۳۹۸ است. مطالعه حاضر از نوع تحلیل

1. Ciuca

2. Matei

3. Tansel

4. Taşçi

5. García

ثانویه است که با کمک روش‌های تحلیل سابقه رخداد واقع یا تحلیل بقاء و با استفاده از بسته آماری R انجام می‌گیرد.

داده‌های تحقیق

در این پژوهش، داده‌های مربوط به کارجویان ۳۱ استان کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا پایان مهرماه ۱۳۹۸ که به کاربایی‌های سراسر کشور مراجعه کرده‌اند مورد استفاده و تحلیل قرار می‌گیرد. این داده‌ها از سال ۱۳۹۲ با مدیریت و هدایت دفتر هدایت نیروی کار و کاربایی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با همکاری کاربایی‌های سراسر کشور جمع‌آوری گردیده است. روند کار بدین صورت است که ابتدا اطلاعات افراد جویای کار مراجعه‌کننده به مراکز کاربایی در سراسر کشور، بر اساس پرسشنامه‌ای یکسان از کارجویان اخذ و در سامانه کاربایی مورد نظر ثبت می‌گردد. این اطلاعات پس از پایش، به پایگاه داده‌های سراسری منتقل می‌شود شایان ذکر است در این پایگاه داده‌ها، به طور میانگین (از سال ۱۳۹۲ به بعد) سالانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار رکورد از افراد جویای کار سراسر کشور ثبت گردیده است. در این پایگاه داده، تاریخ ثبت نام کارجویان و زمان اشتغال به کار آن‌ها (در صورت اشتغال) ثبت گردیده است. همچنین نوع مهارت، مدرک تحصیلی، وضعیت تاهل، سابقه اشتغال، وضعیت سلامت، مشمولیت دریافت یا عدم دریافت بیمه بیکاری، استان محل سکونت و تاریخ تولد افراد بر اساس کدملی، قید گردیده است.

در این مطالعه، به منظور پالایش و همگن ساختن داده‌ها، افرادی که دارای اطلاعات ناقص بودند و یا در رده سنی قبل از ۱۵ سال و یا بعد از ۴۵ سال قرار داشتند، با توجه به دامنه سنی افراد مورد مطالعه، حذف شدند. با این وجود برآورد می‌شود حدود دو میلیون رکورد در این مطالعه مورد استفاده و ارزیابی قرار گیرد.

روش تحلیل داده‌ها

همانگونه که پیشتر نیز مطرح گردید، در این مطالعه به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل سابقه رخداد واقع یا تحلیل بقاء استفاده شده است. تحلیل بقاء به مجموعه‌ای از روش‌های آماری تحلیل داده گفته می‌شود که در آن‌ها متغیر مطلوب، زمان وقوع یک پدیده است. به عبارت دیگر تحلیل بقاء مجموعه‌ای از روش‌های آماری برای تحلیل داده‌هایی است که متغیر پیامد، مدت زمان تا رخداد یک پیشامد خاص است. منظور از زمان در تحلیل بقاء، می‌تواند تعداد سال‌ها، ماه‌ها، هفته‌ها یا روزها از شروع پیگیری یک فرد تا رخداد پیشامد مورد نظر برای وی باشد. معمولاً داده‌های بقاء دارای توزیع نرمال نیستند و نمی‌توان از روش‌های معمول آماری به تجزیه و تحلیل آن پرداخت. هرچند این مشکل را با انجام بعضی از تبدیل‌ها می‌توان حل کرد. اما وجود داده‌های سانسور شده ما را ناگزیر از استفاده از روش‌های تحلیل بقاء می‌کند. این روش‌ها می‌توانند به صورت مدل‌های ناپارامتری، نیمه پارامتری یا پارامتری باشند. در مدل‌های ناپارامتری، می‌توان از روش‌های جدول عمر و کاپلان میر و در مدل نیمه پارامتری از رگرسیون کاکس استفاده کرد. همچنین در روش‌های پارامتری، می‌توان از توزیع‌های وایبل، لگ نرمال، لگ لجستیک و مدل نمایی استفاده نمود. بعلاوه اینکه، متغیرهای وابسته به زمان، نیز از جمله مواردی است که در تحلیل بقاء مورد بررسی قرار می‌گیرد (کلین بام و کین، ترجمه سلطانیان و همکاران، ۱۳۹۶). ویژگی

خاص تحلیل بقاء این است که با داده‌های سانسور شده وفق داشته و از این‌رو از اطلاعات موردهایی که در زمان ارزیابی هنوز زنده هستند استفاده می‌نماید (همان).

در مجموع می‌توان گفت؛ تحلیل بقا دو ویژگی اصلی دارد؛ برای مثال در این پژوهش، اول اینکه متغیر پاسخ این مدل "زمان تا پیدا کردن کار" است. ولی ویژگی دوم این تحلیل آن است که این رخداد ممکن است برای همه افراد اتفاق نیفتد. در اصطلاح می‌گوییم این اشخاص که رخداد را تجربه نکرده‌اند سانسور شده‌اند. مدل بقا هم‌زمان دو ویژگی را با هم در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر در این روش تحلیل آماری، زمان تا پیدا کردن کار برای کارجویانی که مشغول به کار می‌شوند و برای کسانی که تا پایان دوره مورد مطالعه شغل پیدا نمی‌کنند، را هم‌زمان و توأمان با هم محاسبه می‌کند. به همین دلیل دقیق‌تر از مدل تحلیل واریانس است چون اطلاعات بیشتری را در خودش دارد.

در پژوهش حاضر، تابع بقا نشان می‌دهد چه سهمی از افرادی که بیکار هستند، با گذشت زمان بیکار باقی می‌مانند. همچنین تابع بقا، فرصت دستیابی به شغل را در زمان t به شرط بقا در آن زمان، ارزیابی می‌کند.

۱-۳- شاخص‌ها و مدل‌های آماری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، به منظور بررسی توزیع متغیرها از شاخص‌های توصیفی مانند درصد و تعداد و شاخص میانگین طول دوره بیکاری به کارگماردگان استفاده شده است.

برای مقایسه‌ی خطر بقای بیکاری در گروه‌های مختلف متغیرهای مستقل، از برآوردگر کاپلان مایر استفاده شد. و در نهایت برای بررسی اثر توأمان متغیرهای مستقل بر روی طول دوره بیکاری از مدل‌های نیمه‌پارامتری و پارامتری تحلیل پیشینه بقا با کمک نرم‌افزار آماری R، استفاده گردید. با توجه به اینکه رایج‌ترین مدل برای تحلیل داده‌های بقا، مدل کاکس است. ابتدا از مدل کاکس استفاده کردیم اما به این دلیل که تعداد داده‌ها خیلی زیاد بود پیش‌فرض اصلی مدل که فرض متناسب بودن نرخ خطر (Proportional hazard) است، برقرار نشد از این‌رو مدل‌های پارامتریک مانند وایبل، نمایی، لگ نرمال و لگ لجستیک برازش داده شد که در نهایت با توجه به مقایسه نتایج برازش مدل‌های فوق، مدل لگ نرمال به عنوان مدل نهایی انتخاب گردید.

یافته‌های تحقیق

از مجموع ۱.۷۷۹.۶۸۱ کارجوی مورد مطالعه، ۶۳.۷۲ درصد معادل ۱.۱۳۴.۰۳۵ نفر را مردان و ۳۶.۲۸ درصد معادل ۶۴۵.۶۴۶ نفر از آنان را زنان تشکیل داده‌اند. این آمار نشانگر این است که تنها کمی بیش از یک سوم کارجویان را زنان تشکیل داده‌اند و حدود دوسوم کارجویان را مردان به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت جمعیت کارجویان مرد مورد مطالعه، دو برابر زنان است همانگونه که در جدول (۱) قابل مشاهده است، از مجموع کل کارجویان مورد مطالعه، ۱۰.۷ درصد از مردان و ۹.۶ درصد زنان، موفق به دریافت شغل شده‌اند. همچنین، ۷ درصد کارجویان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال، ۲۸.۳ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۳۴.۳ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، ۲۰.۲ درصد در گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال و ۱۰.۲ درصد در گروه سنی ۴۰ تا

۴۴ سال قرار داشتند. بنابراین بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال با حدود ۳۴.۳ درصد کل افراد مورد مطالعه و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با حدود ۷ درصد است. ۱۰ درصد افراد ۲۰-۲۴ سال، ۱۱ درصد افراد ۲۵-۲۹ سال، ۱۰.۷ درصد افراد ۳۰-۳۴ سال، ۹.۹ درصد افراد ۳۵-۳۹ سال و ۸.۶ درصد افراد ۴۰-۴۴ سال موفق به کاریابی شده‌اند. که این آمار نشان می‌دهد بیشترین درصد فراوانی به کارگماردگان، مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال با ۱۱ درصد می‌باشد. بر اساس خروجی جدول (۱)، حدود ۴۸.۵ درصد کارجویان مورد مطالعه، مجرد، ۵۱ درصد متأهل و ۰.۵ درصد را افراد مطلقه و بیوه تشکیل داده‌اند. که از این تعداد، ۹.۵ درصد افراد مجرد، ۱۱.۱ درصد افراد متأهل و ۶.۱ درصد افراد مطلقه و بیوه موفق به دریافت شغل شده‌اند. این آمار نشان از اقبال بیشتر افراد متأهل به دریافت شغل در مقایسه با افراد مجرد، مطلقه و بیوه دارد. از مجموع کل کارجویان مورد مطالعه، ۴.۷ درصد آن‌ها بی‌سواد و دارای مدرک غیر رسمی، ۱۵.۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۲.۸ درصد دارای تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی، ۹.۶ درصد دارای مدرک کاردانی، ۳۱ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۶.۳ درصد کارجویان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند. همچنین ۵.۵ افراد بی‌سواد و دارای مدرک غیررسمی، ۹.۹ کارجویان دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۱۲.۴ کارجویان دارای سطح تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی ۱۰.۶ دارای مدرک کاردانی، ۹.۴ کارجویان داران مدرک کارشناسی و ۶.۷ درصد کارجویان کارشناسی ارشد و دکتری، موفق به دریافت شغل شده‌اند. این آمار گویای آن است که بیشترین درصد فراوانی، با ۳۲.۸ درصد مربوط به کارجویان با سطح تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی است. همچنین بیشترین درصد اشتغال‌یافتگان، با ۱۲.۴ درصد مربوط به کارجویان همین گروه تحصیلی است.

بر اساس نتایج جدول شماره (۱)، میانگین طول دوره بیکاری زنان مشغول به کار شده ۳۱۸ روز و میانگین طول دوره بیکاری مردان مشغول به کار شده ۳۰۹ روز است که نشان می‌دهد میانگین طول دوره بیکاری زنان اندکی بیشتر از مردان است. کمترین میانگین طول دوره بیکاری در بین گروه‌های سنی مورد مطالعه، مربوط به گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با ۲۷۷ روز و بیشترین آن مربوط به گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال با ۳۹۱ روز است. افراد مجرد و متأهل با ۳۹۷ و ۳۹۸ روز دارای طول دوره بیکاری یکسانی هستند. اما افراد مطلقه و بیوه با ۱۴۳ روز، کمتر از نصف میانگین دوره بیکاری، افراد مجرد و متأهل، را تجربه کرده‌اند. همچنین کمترین میانگین طول دوره بیکاری مربوط به کارجویان با سطح تحصیلی متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی با ۳۰۴ روز و بیشترین میانگین طول دوره بیکاری، مربوط به گروه تحصیلی کارشناسی با ۳۲۴ روز است.

جدول ۱: آمار توصیفی درصد فراوانی، درصد اشتغال به کار و میانگین طول دوره بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه کننده به

مراکز کاریابی سراسر کشور طی سالهای ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ به تفکیک جنس، سن، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات

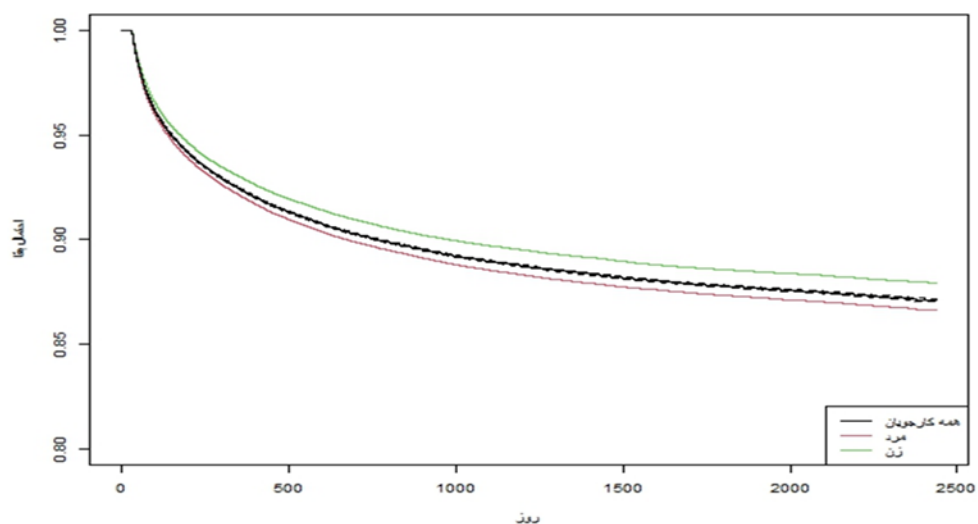
شاخص‌های آماری	ویژگی‌ها	درصد فراوانی	درصد اشتغال	میانگین طول دوره بیکاری (بر حسب روز)
جنس	زن	۳۶.۲۸	۹.۶	۳۱۸

۳۱۰	۱۰.۷	۶۳.۷۲	مرد	
۲۷۷	۱۰	۶.۹۹	۲۰ تا ۲۴ سال	سن
۳۵۰	۱۱	۲۸.۳۱	۲۵ تا ۲۹ سال	
۳۷۸	۱۰.۷	۳۴.۲۶	۳۰ تا ۳۴ سال	
۳۹۱	۹.۹	۲۰.۲۳	۳۵ تا ۳۹ سال	
۳۷۸	۸.۶	۱۰.۲۱	۴۰ تا ۴۴ سال	
۳۶۷	۹.۵	۴۸.۵	مجرد	وضعیت تاهل
۳۶۸	۱۱.۱	۵۱	متاهل	
۱۴۳	۶.۱	۰.۵	سایر (مطلقه و بیوه)	
۳۰۸	۵.۵	۴.۷	بی سواد و غیر رسمی	سطح تحصیلات
۳۱۱	۹.۹	۱۵.۵	ابتدایی و راهنمایی	
۳۰۴	۱۲.۴	۳۲.۸	متوسطه، دیپلم، پیش دانشگاهی و حوزوی	
۳۱۴	۱۰.۶	۹.۶	کاردانی	
۳۲۴	۹.۴	۳۱	کارشناسی	
۳۰۹	۶.۷	۶.۳	کارشناسی ارشد و دکتری	

طول مدت بیکاری کارجویان بر حسب جنس

یافته‌های مندرج در جدول (۲) حاکی از آن است که، خطر ماندن در بیکاری زنان و مردان در شرایط یکسان با هم برابر است. به عبارت دیگر زنان و مردان از شانس مساوی برای دریافت شغل و خروج از بیکاری برخوردار هستند. از طرفی، منحنی کاپلان میر در (شکل ۱) بیانگر این است که خطر بقای بیکاری در میان زنان بیشتر از مردان است. به عبارت دیگر طول دوره بیکاری زنان بیشتر از مردان و شانس خروج از بیکاری آنان کمتر است. بر این اساس، به نظر می‌رسد، زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه، علی‌رغم پیشرفت‌های حاصل شده دز زمینه افزایش چشمگیر تعداد آنان در مقاطع تحصیلی دانشگاهی، همچنان در مقایسه با مردان از شرایط مساوی جهت دریافت شغل برخوردار نیستند. این در حالی است که خیل عظیمی از زنان فارغ‌التحصیل، به دلیل مردمحور بودن بازار کار ایران، جویای کار نمی‌شوند و جزء جمعیت غیرفعال به حساب می‌آیند. بنابراین ضرورت دارد در مناطق مختلف کشور، فرصت‌های برابر برای اشتغال زنان همپای مردان ایجاد گردد. این موضوع با گذشت زمان و با ورود نسل‌های جوان‌تر زنان در سال‌های آینده و میل به مشارکت اقتصادی بیشتر در بین آنان، حادث‌تر نیز می‌شود. بنابراین توجه به اشتغال زنان و محدودیت‌های تنوع شغلی آنان در زمان بازبینی و تدوین سیاست‌های اشتغال ضرورتی انکارناپذیر است.

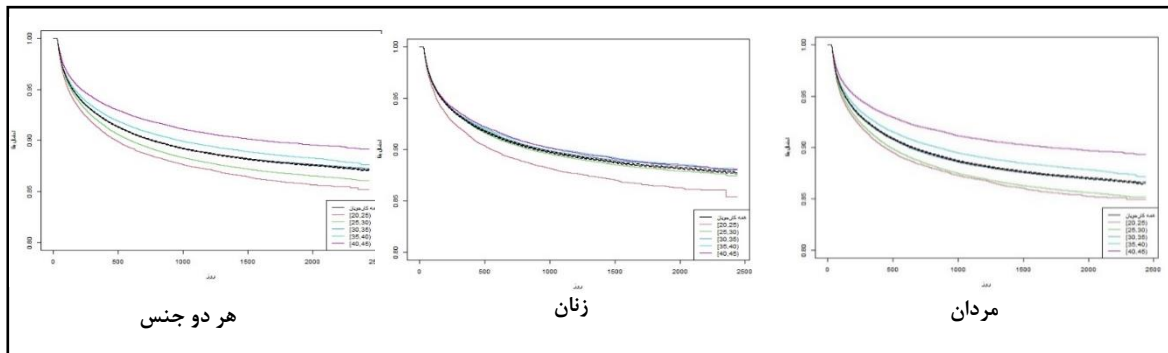
شکل ۱، برآوردگر کاپلان میر - تابع بقا بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ بر حسب جنس



طول مدت بیکاری کارجویان بر حسب سن

بر اساس خروجی جدول (۲)، خطر ماندن در بیکاری افراد ۲۰ تا ۲۵ سال نسبت به افراد ۲۵ تا ۳۰ سال یکسان است. همچنین خطر ماندن در بیکاری افراد ۳۰ تا ۳۵ سال ۱.۱ برابر افراد ۲۰ تا ۲۵ سال و خطر ماندن در بیکاری افراد ۳۵ تا ۴۰ سال ۱.۲ برابر افراد ۲۰ تا ۲۵ سال است. خطر ماندن در بیکاری افراد ۴۰ تا ۴۵ سال ۱.۴ برابر افراد ۲۰ تا ۲۵ سال می‌باشد. همچنین همان‌طور که در منحنی کپلان میر مربوط به همه کارجویان در شکل (۲) مشاهده می‌شود، بین گروه‌های مختلف سنی در میزان بقا در بیکاری تفاوت وجود دارد به نحوی که گروه ۲۰ تا ۲۴ سال کمترین میزان بقا در بیکاری و بیشترین میزان کاریابی موفق و گروه ۴۰ تا ۴۵ سال بیشترین میزان بقا در بیکاری و کمترین میزان کاریابی را داشته‌اند.

شکل ۲، برآوردگر کاپلان میر - تابع بقا بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ بر حسب گروه سنی به تفکیک مردان، زنان و کل کارجویان

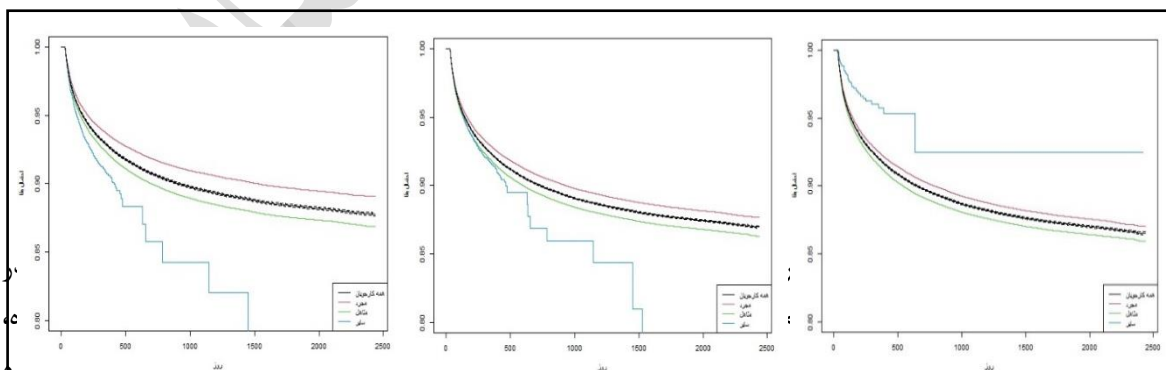


مقایسه نمودار کپلان میر اثر سن بر طول دوره بیکاری به تفکیک زنان و مردان گویای آن است که تنها زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله طول دوره بیکاری پایین‌تری از میانگین همه گروه‌ها دارند و سایر گروه‌ها حول و حوش میانگین کل و در یک سطح قرار دارند اما در مردان شرایط متفاوت بوده و خطر بقا در بیکاری دو گروه ۲۰ تا ۲۴ سال و ۲۵ تا ۲۹ سال پایین‌تر از میانگین کل و خطر بقای بیکاری دو گروه ۳۵ تا ۳۹ سال و ۴۰ تا ۴۴ سال بالاتر از میانگین کل مردان است. از این‌رو به نظر می‌رسد اثر افزایش سن بر افزایش بقای بیکاری در مردان محسوس‌تر از زنان است. زیرا خطر بقای بیکاری در زنان ۲۵ تا ۴۴ ساله تقریباً یکسان است و تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد.

طول مدت بیکاری کارجویان بر حسب وضعیت تأهل

همانگونه که در جدول (۲) قابل مشاهده است، خطر ماندن در بیکاری افراد مجرد ۱.۱ برابر افراد متأهل و ۱.۸ برابر افراد مطلقه و بیوه است. به عبارت دیگر شانس کاریابی افراد متأهل، مطلقه و بیوه در مقایسه با افراد مجرد بیشتر است. همچنین منحنی کپلان مایر (شکل ۳) نشان دهنده تفاوت بین گروه‌های مختلف از نظر احتمال کاریابی موفق است. در این میان مجردها، بیشترین میزان بقای بیکاری و کمترین میزان کاریابی موفق و افراد مطلقه و بیوه، کمترین میزان بقای بیکاری و بیشترین شانس کاریابی را دارا می‌باشند.

شکل ۳، برآوردگر کپلان میر - تابع بقا بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ بر حسب وضعیت تأهل به تفکیک مردان، زنان و کل کارجویان



بیکاری کمتری نسبت به زنان مجرد و متأهل دارند که این موضوع نشان از شرایط متفاوت زنان مطلقه و بیوه در مقایسه با مردان مطلقه و بیوه دارد. از این‌رو به نظر می‌رسد زنان مطلقه و بیوه به دلیل وضعیت ضعیف اقتصادی و

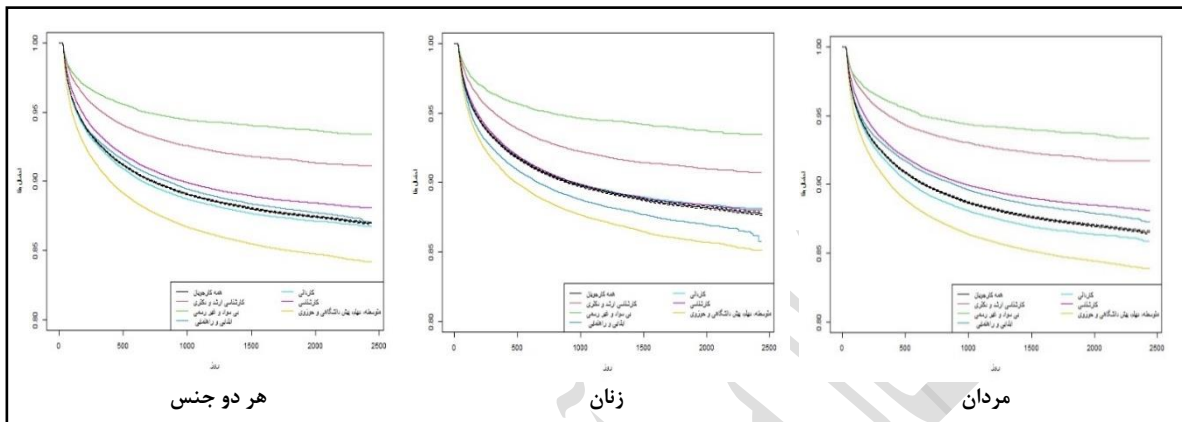
عدم تمکن مالی، حاضر به پذیرش هر شغلی با هر سطح از درآمد هستند. این امر می‌تواند یکی از دلایل پایین‌تر بودن طول دوره بیکاری زنان مطلقه و بیوه در مقایسه با زنان مجرد و متأهل و به‌ویژه مردان مطلقه و بیوه باشد که با نظریه جستجوی شغل انطباق دارد.

طول مدت بیکاری کارجویان بر حسب سطح تحصیلات

خروجی جدول (۲)، در بخش سطح تحصیلات، نشانگر این است که؛ احتمال ماندن در بیکاری برای کارجویان بی‌سواد و دارای مدرک غیررسمی ۱.۷ برابر کارجویان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری، ۳ برابر افراد دارای مدرک کارشناسی، ۳.۹ برابر افراد دارای مدرک کاردانی، ۶ برابر افراد دارای تحصیلات متوسطه، پیش‌دانشگاهی، دیپلم و حوزوی و ۴.۵ برابر افراد دارای مدرک ابتدایی و راهنمایی است. به عبارت دیگر شانس (خطر) ماندن در بیکاری کارجویان با سطح تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و نیز کارجویان دارای تحصیلات متوسطه، پیش‌دانشگاهی، دیپلم و حوزوی، به ترتیب ۰.۲۲ و ۰.۱۶ برابر کارجویان بی‌سواد و دارای مدرک غیر رسمی است. همچنین شانس ماندن در بیکاری کارجویان دارای سطح تحصیلات کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب ۰.۲۵، ۰.۳۲ و ۰.۵۷ برابر کارجویان بی‌سواد و دارای مدرک غیر رسمی است. همچنین خروجی برآوردگر کاپلان مایر نشانگر این است که، احتمال کارایی گروه‌های مختلف تحصیلی کاملاً با هم متفاوت است. بر این اساس، کمترین خطر ماندن در بیکاری و بیشترین شانس خروج از بیکاری مربوط به کارجویان با سطح تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی و بیشترین خطر ماندن در بیکاری و کمترین شانس خروج از بیکاری مربوط به گروه بی‌سواد و غیررسمی است.

مقایسه نمودار کپلان میر اثر سطح تحصیلات بر خطر بقای بیکاری در بین زنان و مردان حاکی از آن است که الگوی طول دوره بیکاری زنان بر حسب سطح تحصیلات، تا حدودی متفاوت از مردان است در زنان همانند مردان، افراد دارای سطح تحصیلات متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی، کمترین خطر بقا در بیکاری را داشته‌اند اما بعد از آن زنان دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی کمترین خطر بقای بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند در حالی که در گروه مردان، بعد از کارجویان متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی، کارجویان دارای مدرک کاردانی، کمترین خطر بقای بیکاری را دارند در گروه زنان، کارجویان دارای مدرک کاردانی و کارشناسی تقریباً در یک سطح قرار دارند در حالی که در گروه مردان خطر بقای بیکاری کارجویان دارای مدرک کارشناسی و کارجویان دارای مدرک ابتدایی و راهنمایی بالاتر از میانگین کل کارجویان قرار دارند همچنین در هر دو گروه، بیشترین خطر بقای بیکاری به ترتیب مربوط به گروه کارجویان بی‌سواد و غیررسمی و بعد از آن کارجویان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری است.

شکل ۴، برآوردگر کاپلان میر - تابع بقا بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ بر حسب سطح تحصیلات به تفکیک مردان، زنان و کل کارجویان



جدول ۲: نسبت خطر ماندن در بیکاری کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سالهای ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ بر حسب سن، جنس، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات بر اساس خروجی روش پارامتریک لگ نرمال

شاخص‌های آماری	ویژگی‌ها	HR	Coef	SE	z value	p value	Exp(-coef)
سطح تحصیلات	ابتدایی و راهنمایی	۰.۲۲۴	-۱.۴۹۵	۰.۰۲۸	-۵۳.۶۵۶	<۰.۰۰۱	۴.۴۵۷
	متوسطه، پیش دانشگاهی، دیپلم و حوزوی	۰.۱۶۸	-۱.۷۸۲	۰.۰۲۶	-۶۷.۶۶۱	<۰.۰۰۱	۵.۹۴۳
	کاردانی	۰.۲۵۸	-۱.۳۵۵	۰.۰۲۹	-۴۶.۵۳۲	<۰.۰۰۱	۳.۸۷۶
	کارشناسی	۰.۳۲۵	-۱.۱۲۵	۰.۰۲۷	-۴۲.۰۰۷	<۰.۰۰۱	۳.۰۸۲
	ارشد و دکتری	۰.۵۷۲	-۰.۵۵۹	۰.۰۳۳	-۱۷.۰۴۹	<۰.۰۰۱	۱.۷۴۹

جنسیت	زن	۱.۰۲۶	۰.۰۲۵	۰.۰۱۰	۲.۴۹۲	۰.۰۱۳	۰.۹۷۵
سن	۲۵ تا ۲۹ سال	۱.۰۱۷	۰.۰۱۷	۰.۰۲۰	۰.۸۷۲	۰.۳۸۳	۰.۹۸۳
	۳۰ تا ۳۴ سال	۱.۱۱۰	۰.۱۰۴	۰.۰۲۰	۵.۲۶۴	<۰.۰۰۱	۰.۹۰۱
	۳۵ تا ۳۹ سال	۱.۲۰۴	۰.۱۸۶	۰.۰۲۱	۸.۷۹۲	<۰.۰۰۱	۰.۸۳۰
	۴۰ تا ۴۴ سال	۱.۴۳۴	۰.۳۶۰	۰.۰۲۴	۱۴.۹۰۴	<۰.۰۰۱	۰.۶۹۸
	متاهل	۰.۹۰۱	-۰.۱۰۴	۰.۰۱۰	-۱۰.۳۷۵	<۰.۰۰۱	۱.۱۱۰
وضعیت تاهل	سایر	۰.۵۶۳	-۰.۵۷۵	۰.۰۸۲	-۶.۹۸۵	<۰.۰۰۱	۱.۷۷۸

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه تلاش شده است، تاثیر برخی عوامل فردی شامل سن، جنس، سطح تحصیلات و وضعیت تاهل بر روی طول دوره بیکاری کارجویان زن و مرد مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرارگیرد.

نتایج این مطالعه حاکی از آن است که زنان در مقایسه با مردان طول دوره بیکاری بیشتری دارند و در مقایسه با مردان شانس کمتری برای دستیابی به شغل دارند. در تبیین این یافته، میتوان گفت؛ احتمالاً یکی از دلایل می‌تواند این باشد که برای مردان مشاغل بیشتری وجود دارد که با شرایط زنان تناسب ندارد. و به عبارتی زنان با محدودیت تنوع شغلی مواجه هستند. برای نمونه در بیشتر کارهای ساختمانی کار برای زنان بسیار دشوارتر از مردان است. بنابراین فرصت اشتغال زنان به این علت کاهش می‌یابد. این به نوع شغل مربوط می‌شود. همچنین بسیاری از کارفرمایان مشاغل فیزیکی، با یک یا دو کارکن، تمایل دارند مردان را به خدمت بگیرند تا بتوانند از آنها کار بیشتر و سنگین‌تری بکشند. تاهل و فرزندآوری و تربیت فرزندان توسط زنان نیز می‌تواند یکی از دلایل افزایش طول دوره بیکاری آنان در مقایسه با مردان باشد که این موضوع با توجه به تئوری‌های جنسیتی قابل توجیه است. چرا که تئوری‌های جنسیتی، خصوصاً با فرهنگ ایرانی، وظایف اصلی زنان را عمدتاً تربیت و پرورش فرزندان

دانسته و این در حالی است که در این فرهنگ، تأمین درآمد موردنیاز خانوار برعهده مردان گذشته شده است و از این رو انتظار می‌رود تحمیل چنین وظیفه‌ای بر مردان، باعث کاهش دوره بیکاری برای این گروه گردد. همچنین بر مبنای یافته‌های این مطالعه، افراد جویای کار در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال نسبت به سایر گروه‌های سنی از میانگین طول دوره بیکاری کمتر و شانس بیشتری برای دستیابی به شغل برخوردار هستند. البته در این زمینه، تفاوت‌هایی بین زنان و مردان وجود دارد زیرا در مردان با افزایش سن، خطر ماندن در بیکاری به طور مستمر افزایش می‌یابد ولی در زنان این روند از سن ۲۵ سالگی به بعد ثابت می‌ماند. بنابراین می‌توان گفت افزایش سن در بین کارجویان (بویژه مردان)، باعث افزایش خطر ماندن در بیکاری و کاهش شانس خروج از بیکاری شده است. که این یافته نیز به کمک نظریه جستجوی شغل قابل تبیین است. زیرا افراد ۳۰ تا ۴۵ سال، احتمالاً به دلیل ارتقا سطح تحصیلات و مهارت‌های خود، توقع بیشتری برای دریافت شغل‌های با دستمزد بالا داشته و همین امر باعث می‌شود که هر شغل با هر سطح از دستمزد را نپذیرند و بنابراین دست به جستجوی شغلی بیشتری زده، که در نهایت این موضوع باعث افزایش طول دوره بیکاری در میان این افراد می‌شود. موضوع دیگر اینکه؛ در فاصله بین سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۵۸، جمعیت کشور تا حدود بسیار زیادی جوان شده و ایران در زمره جوان‌ترین کشورهای دنیا درآمد است. طی سال‌های ۵۸ الی ۶۸ جمعیت کشور، شاهد نرخ رشد شگفت آور ۳/۹ درصد در سال بود! این نرخ رشد، موجب پیدایش «انبوهه جمعیت» شد. انبوهه جمعیت مذکور، که دامنه سنی آن حدود ۱۰ سال است، مانند موجی، رده‌های سنی را طی کرده است (فراهانی، ۱۳۸۱). اکنون این رده‌های سنی به دوران ۳۰ تا ۴۰ سالگی رسیده‌اند. به نظر می‌رسد، به دلیل تعداد بالای گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۳۹ سال، وضعیت اشتغال این افراد به مخاطره افتاده است. از این رو احتمالاً، درصدی از افزایش طول دوره بیکاری در میان گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله و ۳۵ تا ۳۹ ساله، مربوط به تورم مولید در دهه ۶۰ و نرخ رشد ۳/۹ درصدی آن دوران باشد.

یافته‌های این مطالعه در خصوص اثر تاهل بر طول دوره بیکاری حاکی از آن است که افراد متاهل، مطلقه و بیوه، دارای خطر بقای بیکاری کمتری نسبت به افراد مجرد هستند. به عبارت دیگر افراد متأهل و همچنین افراد طلاق گرفته و بیوه، نسبت به افراد مشابه ولی مجرد شانس بیشتری جهت خروج از بیکاری و یافتن کار دارند. با توجه به شرایط اقتصادی امروز کشور، به نظر می‌رسد، افراد متاهل، مطلقه و بیوه (به‌ویژه در بین زنان) به دلیل مسئولیت خانوادگی و بار تکفل، بیشتر از افراد مجرد تحت فشار جهت دریافت شغل به منظور کسب درآمد و رفع مایحتاج خانواده هستند از این رو معمولاً هر شغلی با هر سطح از دستمزد را می‌پذیرند. در مقابل افراد مجرد بدلیل داشتن فرصت کافی و خارج از فشارهای مالی، در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش شغل پیشنهاد شده تصمیم می‌گیرند و این امر ممکن است منجر به افزایش طول دوره بیکاری آن‌ها در مقایسه با افراد متاهل شود که این یافته با نظریه جستجوی شغل منطبق است.

یافته‌های تحقیق در بخش سطح تحصیلات نشان داد که کارجویان بی‌سواد و دارای مدارک غیررسمی، در مقایسه با سایر سطوح تحصیلی از خطر بقای بیکاری بیشتر و شانس کمتری برای خروج از بیکاری برخوردار هستند. که این یافته بر اساس نظریه مهارت (تحصیل و آموزش)، قابل تبیین است. بر اساس این نظریه، برنامه‌های آموزشی و

مهارت‌ورزی سبب می‌شود شانس فرد جویای کار در یافتن شغل افزایش یابد. شرکت در برنامه‌های آموزشی می‌تواند علامت مثبت به کارفرمایان ارائه و همچنین نااطمینانی در مورد قابلیت استخدامی متقاضیان شغل را کاهش دهد..

بر اساس دیگر یافته‌های این مطالعه، افراد با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری در رده دوم بالاترین خطر بیکاری قرار دارند. در عوض، شانس خروج از بیکاری برای افراد با سطح تحصیلی متوسطه، دیپلم، پیش‌دانشگاهی و حوزوی در مقایسه با سایر سطوح تحصیلی بیشتر است بنابراین به نظر می‌رسد بازار کار ایران، هنوز به مرحله‌ای از پیچیدگی و بلوغ نرسیده است که خواهان افراد با سطوح تحصیلات بالاتر از دیپلم در سطح وسیع باشد. و تقریباً نیاز مهارتی بازار کار در همان سطوح دیپلم و زیر دیپلم برای اکثر مشاغل، بدلیل عدم نوآوری و رشد بسیار کند مشاغل مهارت محور، متوقف مانده است. نکته دیگر که می‌توان در این بخش به عنوان یک خلا از آن نام برد، عدم تطابق رشته‌های تحصیلی در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم تا دکتری، با مهارت‌های مورد نیاز بازار کار ایران و نیز کیفیت پایین آموزش دانشگاهی در این سطوح است، از این مقوله تحت عنوان عدم تطابق مهارت‌های شغلی نام می‌برند. لازم به توضیح است، عدم تطابق مهارت‌ها توسط عوامل مختلف از جمله پیشرفت‌های فناوری تولید (برای مثال فناوری دیجیتال)، توسعه اقتصادی (برای مثال تجدید ساختار صنعتی) و یا تغییر و تحولات اجتماعی (برای مثال پدیده جمعیتی) ایجاد می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد دلیل دیگر هم این است که اغلب افرادی که توسط کاربایی‌ها به کار گمارده می‌شوند اشتغال به کار آن‌ها در بنگاه‌های کوچک و متوسط انجام می‌گیرد و این بنگاه‌ها نیز با توجه به عدم نیاز به کارکنان با سطح تحصیلات بالا، بیشتر به دنبال جذب افراد با سطح تحصیلات پایین هستند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود:

- در فرایند سیاست‌گذاری و مدیریت بازار کار کشور، به تغییرات ساختار سنی و جنسی جمعیت کشور و بسترسازی جهت استفاده بهینه از پنجره جمعیتی توجه شود. زنان نیمی از جمعیت کشور هستند و لذا استفاده از این جمعیت، به‌ویژه در شرایط خروج از پنجره جمعیتی، ضروری است از این‌رو نیاز است برنامه‌ریزی برای ایجاد اشتغال پایدار در بین زنان، به‌ویژه در حوزه مشاغل خدماتی انجام گیرد.
- به منظور افزایش اشتغال و کاهش طول دوره بیکاری گروه‌های سنی، ۳۰ تا ۳۴ سال، ۳۵ تا ۳۹ سال و ۴۰ تا ۴۴ سال، قانون‌گذاری‌های لازم و بسته‌های سیاستی و حمایتی اشتغال‌زا به صورت مجزا، با ردیف اعتباری مستقل در قانون بودجه سالیانه، به منظور اشتغال این سه گروه سنی و جلوگیری از غیر فعال شدن آن‌ها و کمک به تشکیل خانواده و کاهش سن ازدواج و ممانعت از تجرد قطعی آن‌ها، با قید فوریت در دستور کار مجلس شورای اسلامی، برنامه‌ریزان اقتصادی - اجتماعی و سیاست‌گذاران حوزه اشتغال کشور قرار گیرد.
- سیاست‌گذاران حوزه اشتغال کشور با تعریف و تصویب یک بسته تشویقی، ضمن حمایت قانونی از اشتغال پایدار و ثبات شغلی زنان مطلقه و بیوه، کارفرمایان را مجاب کنند تا زمینه اشتغال افراد مجرد در سنین پایین‌تر تسهیل

گردد و از این طریق، زمینه لازم برای کاهش طول دوره بیکاری، کاهش سن ازدواج و نیز جلوگیری از افزایش بزه- کاری در میان جوانان فراهم شود.

- بررسی و ارزیابی میزان عدم تطابق نوع مهارت، سطح تحصیلات و نوع رشته تحصیلی با مهارت‌های شغلی مورد نیاز، مبتنی بر تغییرات حال و آینده بازار کار ایران از طریق ایجاد یک حلقه واسطه بین مراکز آموزش عالی و بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی با هدف شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای مهارتی و رشته‌های تحصیلی مورد نیاز و تهیه سرفصل‌ها و محتوی آموزش‌های مهارتی، به منظور تربیت نیروی ماهر و متخصص، با اولویت انجام پذیرد.

محدودیت‌های پژوهش

این مطالعه صرفاً کارجویان ۲۰ تا ۴۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی سراسر کشور طی سال‌های ۱۳۹۲ تا مهرماه ۱۳۹۸ را مورد بررسی قرار داده است از این‌رو جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه واردشدگان به بازار کار ایران را شامل نمی‌شود. بنابراین نتایج آن قابل تعمیم به کلیه کارجویان سراسر کشور در سال‌های مورد مطالعه نیست همچنین در این مطالعه که داده‌های مورد استفاده آن، اطلاعات کارجویان مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی طی حدود هفت سال، یعنی از ابتدای سال ۱۳۹۲ تا پایان مهرماه ۱۳۹۸ را شامل می‌شود، شرایط افراد مورد مطالعه در سال‌های مختلف (به دلیل استفاده از روش‌های آماری تحلیل پیشینه بقا) یکسان تلقی شده است. به عنوان نمونه کارجویان ۲۰ تا ۲۴ ساله مراجعه‌کننده به مراکز کاریابی در سال ۱۳۹۲ با ۲۰ تا ۲۴ ساله‌های مراجعه‌کننده در سال ۱۳۹۸ یکسان تلقی، و در یک گروه طبقه‌بندی شده است.

منابع

- پورکاظمی، محمدحسین (۱۳۸۸)، «وضعیت راه‌یابی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی به بازار کار (ورودی سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۷۴)». پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی» تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۵۲، صص ۱۲۷ - ۱۵۰.
- ترابی فاطمه و مرجان رشوند (۱۳۹۹)، اهمیت نسبی تغییرات ساختار سنی در تغییرات میزان بیکاری، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۳۰، صص ۲۸۸ - ۲۶۱.
- حسینی‌نسب، محمدابراهیم، احمدلو، راضیه (۱۳۹۲). "برآورد و پیش‌بینی کوچک ناحیه‌ای میانگین طول مدت بیکاری در ایران و اثر استان بر آن با استفاده از مدل‌های سه سطحی"، مجله مدل‌سازی پیشرفته ریاضی، دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
- زارع، غلامحسین (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر بر دوره بیکاری مطالعه موردی شهرستان یزد: ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه یزد.

- زکی، یاشا، سیدعباس احمدی، محمدجلال عباسی شوازی و زهرا ادیب نیا (۱۳۹۹)، تحلیل فضایی اثرات بیکاری و بیکاری تحصیل‌کردگان بر جغرافیای سیاسی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲۹، صص ۱۵۱-۱۷۸.
- صادقی، رسول. (۱۳۹۱). تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره‌ی جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاستی. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، سال ۱۴، شماره ۵۵، صص ۹۵-۱۵۰.
- صیدایی، سید اسکندر؛ بهاری، عیسی؛ زارعی، امیر (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۳۵، «راهبرد توسعه» بهار ۱۳۹۰، شماره ۲۵، صفحه ۲۱۶ - ۲۴۷.
- عبدلی، قهرمان و ویدا ورهرامی (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال و تمایل به کار زنان متاهل در شهر تهران با تأکید بر متغیرهای اقتصادی، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۷، صص ۱۶۹-۱۸۱.
- علی‌پور، محمدصادق (۱۳۹۷)، اثر تحصیلات عالی زنان روستایی بر اشتغال در نقاط روستایی ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران سال سیزدهم، شماره ۲۶.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت جمعیت و اشتغال در ایران، مجله معرفت، شماره ۵۳.
- فیض‌پور، محمدعلی (۱۳۸۹)، دوره بیکاری و عوامل مؤثر بر آن شواهدی از بیکاران جویای کار استان یزد طی برنامه سوم توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۸۹.
- فیض‌پور، محمدعلی؛ زارع، غلامحسین (۱۳۹۱)، تعیین عوامل مؤثر بر دوره بیکاری با استفاده از مدل رویداد متناسب کاکس، مطالعه موردی شهر یزد: ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹، پژوهش‌های اقتصادی ایران، تابستان ۱۳۹۱ شماره ۵۱.
- کریمی موغاری، زهرا؛ جهان تیغ، الهام (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر اشتغال غیررسمی زنان جوان در ایران، مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان، پاییز ۱۳۹۳ - شماره ۴۰، صفحه ۱۱۵ - ۱۴۰.
- کلین بام، دیوید جی و میشل کلین، خودآموز تحلیل بقا، ترجمه علیرضا سلطانیان و همکاران (۱۳۹۶) انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- گزارش اولین کارگاه بین‌المللی مطالعات بازار کار (۱۳۹۶). ماهنامه کار و جامعه، سال بیستم شماره ۲۰۸، شهریورماه ۱۳۹۶.
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵)، وضعیت بیکاران بر حسب طول مدت بیکاری طی سال ۱۳۹۴، ماهنامه مدیریت بازار کار ایران، سال اول شماره ۱۰، اسفند ۱۳۹۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران، شناخت وضع موجود بازار کار با تأکید بر تفاوت‌های استانی.
- مهربانی، وحید (۱۳۹۴)، اشتغال زنان و روند باروری و رشد جمعیت در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران سال دهم، شماره ۲۰.

- نوروزی، لادن (۱۳۸۳)، تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۷۸.
- نهایندی، مریم و افشین خاکی نجف‌آبادی (۱۳۸۸)، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۷، صص ۱۱۵-۱۳۹.
- هادیان، ابراهیم (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر آموزش افراد جویای کار بر طول دوره بیکاری آنها: مورد مطالعه شهرستان شیراز»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۹، صص ۲۳۸-۲۱۷.
- هرندی، فاطمه؛ فلاح محسن خانی، زهره (۱۳۸۶)، اشتغال جوانان و چالش‌های آن، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.
- Ciuca, V. and Matei, M (2011), Survival rates in unemployment, INTERNATIONAL JOURNAL OF MATHEMATICAL MODELS AND METHODS IN APPLIED SCIENCES, , Issue 2, Volume 5
- Dănaicică D-E & Paliu-Popa L (2017) Determinants of unemployment spells and exit destinations in Romania in a competing-risks approach, Economic, Research-Ekonomska Istraživanja, 30, 964-984,
- García, A. N.(2017), Gender Differences in Unemployment Dynamics and Initial Wages over the Business Cycle, Luxembourg Institute of socio-Economic Research (LISER), Luxembourg
- Kupets, O. (2006), “Determinants of Unemployment Duration in Ukraine”, Journal of Comparative Economics, No.34, pp.228-247.
- Marc C. Foley. 1997. The Determinants of Unemployment Duration in Russia. Working Paper Number 81.
- Maritza Lopez Novella, Marie Duvivier. 2015. The Relationship between Unemployment Duration and Education. Federal Planning Bureau Working Paper 10-15
- Michele A. Haynes, Angela Higginson, William J. M. Probert, Paul Boreham. 2011. Social Determinants and Regional Disparity of Unemployment Duration in Australia: A Multilevel Approach
- Nieves Lazaro, Maria Luisa Molto, Rosario Sanchez. 2000. Unemployment Determinants for Women in Spain. Journal of Labour Market Research
- Olga Kupets. February 2006. The Determinants of Unemployment Duration in Russia. Journal of Comparative Economics
- Tansel A and Taşçi, H –M. (2010), Hazard Analysis of Unemployment Duration by Gender in a Developing Country: Discussion Paper No. 4844, March 2010
- Toshihiko Mukoyama, Ayşegül Şahin. 2004. Why Did the Average Duration of Unemployment Become So Much Longer? Federal Reserve Bank of New York Staff Reports
- William Baah-Boateng. 2014. Determinants of Unemployment in Ghana. African Development Review

Analysis of unemployment duration of men and women job seekers referring to job centers of the country in the period of 2012-2018

Abstract

The purpose of this research is to analyze of unemployment duration and compare it among Iranian men and women in the period of 2012-2018. In this study, an attempt has been made to investigate the effect of four variables, gender, age, education level, and marital status of unemployment duration of job seekers aged 20 to 45 referring to employment centers across the country. This study has been carried out with the help of the statistical technique of survival background analysis, through the refinement and analysis of about two million data records (collected by job seekers across the country and under the supervision of the Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare). The findings of this study indicate that compared to men, women have longer periods of unemployment and less chance to get a job. Women and men looking for work in the age groups of 20 to 24 years have a lower average unemployment period and a higher chance of getting a job and leaving unemployment than other age groups. Married, divorced and widowed job seekers (except for divorced and widowed men) have a lower risk of unemployment survival than single people in both groups of women and men, illiterate job seekers have the highest unemployment risk and people with a master's level of education, and a doctorate in the second category. They have the highest risk of unemployment. The chances of getting out of unemployment are higher for people with intermediate, diploma, pre-university, and seminary levels of education compared to other levels of education. Therefore, it is suggested to pay serious attention to the changes in the age and gender structure of the population in the policy making and management process of the country's labor market.

Women are half of the country's population, so it is necessary; the use of this capacity, especially in the conditions of leaving the demographic window, as well as planning to create stable employment and reduce the length of their unemployment period, should be prioritized. Considering the incompatibility of formal education and academic fields with job skills required by Iran's labor market, reform policies in this direction. Be adopted also, by designing and approving an incentive package, the country's employment policymakers should persuade employers to provide employment opportunities for young singles and to facilitate their chances of exiting unemployment.

Keywords: unemployment duration, gender, age, employment